در سوگ منادی وحدت و عدالت



مراسم تشییع پیکر مطهر رهبر شهید انقلاب، با حضور میلیونی مردم ایران، مقامات و نخبگان جهان، به بزرگ‌ترین وداع تاریخ تبدیل می‌شود و این حماسه، ضمن افشای جنایات استکبار و صهیونیسم، پروژهٔ شکاف‌افکنی و جنگ ترکیبی دشمن را بی‌اثر می‌کند، وحدت ملی را به رخ جهانیان می‌کشد و سوگ را به عزمی راسخ برای تمدن‌سازی اسلامی، عدالت و استکبارستیزی بدل می‌سازد.

به گزارش روابط عمومی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، دکتر محمدمهدی مؤمنی‌ها در یادداشتی به مناسبت ایام تشییع پیکر مطهر قائد شهید امت نوشت

مراسم تشییع پیکر مطهر رهبر شهید انقلاب، با حضور میلیونی مردم ایران، مقامات و نخبگان جهان، به بزرگ‌ترین وداع تاریخ تبدیل می‌شود و این حماسه، ضمن افشای جنایات استکبار و صهیونیسم، پروژهٔ شکاف‌افکنی و جنگ ترکیبی دشمن را بی‌اثر می‌کند، وحدت ملی را به رخ جهانیان می‌کشد و سوگ را به عزمی راسخ برای تمدن‌سازی اسلامی، عدالت و استکبارستیزی بدل می‌سازد.ایران یکپارچه به پا می‌خیزد تا در وداعی بی‌نظیرتر از تاریخ، با پیکر مطهر قائد شهید خود، حضرت آیت‌الله العظمی امام سیدعلی

خامنه‌ای، تجدید بیعتی جهانی رقم زند؛ تشییعی که با حضور میلیونی اقشار مختلف، مقامات ۴۰ کشور و نخبگان جهان، نه تنها رکورد بزرگترین وداع‌های تاریخ را می‌شکند، بلکه فریاد «انتقام ملت ایران» را در گوش نظام سلطه طنین‌انداز می‌کند، پروژه‌های شکاف‌افکنی و جنگ ترکیبی دشمن را نقش بر آب می‌سازد و سوگ را به عزمی راسخ برای تمدن‌سازی نوین اسلامی – با محوریت عدالت، پیشرفت و استکبارستیزی – تبدیل می‌نماید. این حماسه، پیام پایداری نظام و استمرار راه امام خامنه‌ای را به جهانیان مخابره می‌کند، تأثیر آمریکا بر سرنوشت سیاسی ایران را به حاشیه می‌راند و «عصر ایران» را به‌عنوان قدرت تعادل‌بخش نظم جدید جهانی اعلام می‌دارد.۱. حماسه‌ای به وسعت تاریخ؛ از تهران تا مشهد، از نجف تا جهان مراسم بدرقه پیکر مطهر رهبر شهید، حضرت آیت‌ا العظمی امام سیدعلی خامنه‌ای، نه صرفاً یک رویداد سوگ‌وار، که « بخشی عظیم از اراده جمعی» است که در آن، ملت ایران با تمامی اقوام، نسل‌ها و طبقات، یکپارچه به پا می‌خیزد تا «خدمت صادقانه به دین و کشور و مردم» را که وصیت‌نامه عملی آن پیر فرزانه بود، با قامتی استوار پاس بدارد. از تهران و قم تا نجف و کربلا و نهایتاً بارگاه ملکوتی امام رضا (ع)، موج انسانیِ پیش‌بینی‌شده، نه فقط از مرزهای جغرافیایی، که از فراسوی ادیان و ملیت‌ها عبور می‌کند.حضور مقامات عالی‌رتبه بیش از ۴۰ کشور، افزون بر ۹۰ دانشمند، نخبه و سرآمد ادیان و مذاهب مختلف جهان و در مجموع مهمانانی از ۱۰۰ کشور نشان از عمق نفوذ گفتمان انقلاب اسلامی در معادلات فرامنطقه‌ای دارد.

گفتمانی که دیگر صرفاً ایرانی نیست، بلکه به «زبان مشترک مستضعفان جهان» بدل شده است. این عظمت چنان بر پرده ادراک دشمنان نقش بسته که کانال ۱۵ اسرائیل، با صراحت اعتراف می‌کند: «تشییع رهبر ایران این پیام را مخابره می‌کند که نظام پابرجاست و امام خامنه‌ای همچنان ادامه دارد؛ اینکه ایران پس از حملات نیز توان برخاستن دوباره را دارد. ابعاد این مراسم بسیار بزرگ است و از سراسر دنیا قرار است در آن حضور پیدا کنند.»این اقرار، گواهی بر شکست محاسبات راهبردی دشمنان است که هرگز تصور نمی‌کردند یک ملت، پس از شوک شهادت، بتواند چنین خروش تاریخی برپا کند. ۲. تشییعی در تراز همه تاریخ؛ بی بدیل در جهاناگر صورت بزرگترین وداع‌های تاریخ را مرور کنیم از مائو و لنین تا پاپ ژان‌پل دوم و مادر ترزا، از ویکتور هوگو تا چرچیل، از گاندی تا جمال عبدالناصر و از رهبر کبیر انقلاب تا سردار سلیمانی همه نشان از یک قاعده دارند: «عظمت یک رهبر، در قامت حضور مردمی‌اش در لحظه وداع متجلی می‌شود.» اما تشییع رهبر شهید ما، با همه این نمونه‌ها تفاوتی ماهوی دارد: - این وداع، تنها وداع با یک شخصیت سیاسی یا مذهبی نیست؛ وداع با «پدری مهربان، ساده‌زیست، شجاع و مقاوم» است که در ماه رمضان شربت شهادت نوشیدن و در ماه محرم و همزمان با عزای سیدالشهدا (ع) تشییع می شوند و بدین‌سان، پیام عاشورا را با خود همراه می‌کند: «هیهات منا الذله». - این تشییع، نه فقط تجلیل از یک رهبر، که «تجدید بیعت با مکتبی» است که شهادت را نه پایان، که آغاز یک حضور پرصلابت می‌داند. ازاین‌رو، بی‌گمان این وداع از همه وداع‌های پیشین «متفاوت‌تر» و «بی‌نظیرتر»

خواهد بود؛ چراکه در آن، اندوه با امید، سوگ با مسئولیت و اشک با اراده برای «انتقام سخت» در هم آمیخته است.۳. افشای چهره نظام سلطه؛ فریاد انتقام در گوش جهانیان مراسم تشییع، صحنه‌ای برای «دادخواهی تاریخی» از جنایات استکبار جهانی و صهیونیسم بین‌الملل است. اینجا جایی است که ملت ایران، با صدایی رسا و بدون لکنت، به جهانیان یادآوری می‌کند که: - آمریکا و اسرائیل، در دو نوبت جنایت‌بار (خرداد و اسفند ۱۴۰۴)، بیش از ۱۳۵۰۰ مرکز ایران را بمباران کردند و صدها کودک معصوم، از جمله ۱۶۸ دانش‌آموز مینابی، زنان، فرماندهان و دانشمندان را به شهادت رساندند. - سکوت نهادهای بین‌المللی و همراهی آنان با جنایتکاران، رسوایی بزرگ «نظام بین‌الملل مبتنی بر قانون جنگل» را در قرن بیست‌ویکم آشکار می‌سازد.

به همین دلیل، فریاد «انتقام ملت ایران» در این مراسم، نه شعار احساسی، که «بیانیه راهبردی» یک ملتِ زخم‌دیده اما هوشمند است که به جهانیان می‌گوید: «ما فراموش نمی‌کنیم و نمی‌بخشیم.» این فریاد، هم‌زمان پیام روشنی به معادلات دیپلماتیک دارد: سرنوشت سیاسی کشور نه در مذاکرات پشت درهای بسته، که در صحنه‌های حضور مردم رقم می‌خورد؛ مردمی که با این تشییع، راه تأثیرگذاری آمریکا بر سیاست‌های ایران را سد کرده و تعیین‌کنندگی مذاکرات را به حاشیه می‌رانند.
۴. حضور حماسی؛ شکاف‌شکن، دشمن‌هراس و امیدآفرین کارشناسان تحلیل سیاسی و رسانه‌ای معتقدند که حضور میلیونی در این تشییع، پروژه چندلایه دشمن را نقش بر آب می‌کند و در عین حال، امید و اعتماد عمومی به امر ولایت فقیه را که هدیه‌ای الهی برای این ملت است، پاس می‌دارد: - شکاف‌شکنی: القای شکاف نسلی، قومی و سیاسی، یکی از محورهای جنگ ترکیبی دشمن بود، اما وقتی زنان و مردان، پیر و جوان، کرد و لر و فارس در یک صف واحد قرار می‌گیرند، روایت «گسست اجتماعی» در واقعیت میدانی نابود می‌شود. - خطای محاسباتی: دشمن تصور می‌کرد فشار اقتصادی و تحریم، اراده ملی را فرسوده خواهد کرد، اما فرهنگ شهادت، منطق دیگری دارد؛ منطقی که در آن، «معناطلبی بر ماتریالیسم» غلبه می‌کند. این تشییع، نمایشِ قدرت نرمی است که دستگاه محاسباتی غرب را دچار سردرگمی راهبردی می‌کند. - بی‌اعتباری معاندان: جریان‌های برانداز که سال‌ها مدعی نمایندگی ملت بوده‌اند، با این حماسه، در آزمون تاریخی خود شکست می‌خورند و فاصله عمیق خود با واقعیت اجتماعی را به تماشا می‌نشینند. - تأثیر بر مذاکرات: مردم مبعوث شده، با سنگینی حضور سیاسی خود، قدرت خویش را در مقابله با سیاست‌های پشت درهای بسته به نمایش گذاشته و مصمم‌اند که تعیین‌کنندگی دیپلماسی آمریکایی را به حداقل برسانند. این تشییع، بزرگ‌ترین رفراندوم ملی علیه زیاده‌خواهی‌های خارجی است.۵. جنگ ترکیبی دشمن؛ سه‌ضلعی کوچک‌نمایی و تحریف دشمن برای مقابله با عظمت این رویداد، از الگوی سه‌مرحله‌ای جنگ شناختی بهره می‌گیرد: - پیش از مراسم: شایعه‌پراکنی، القای ناامیدی، بزرگ‌نمایی مشکلات و تحریک اختلافات. - حین مراسم: انتشار تصاویر گزینشی، جعل روایت‌های امنیتی و

کوچک‌نمایی جمعیت.

- پس از مراسم: تهی‌سازی معنایی، مادی‌جلوه‌دادن انگیزه‌های مردم و جلوگیری از تبدیل سرمایه عاطفی به سرمایه اجتماعی پایدار. اما پاسخ هوشمندانه ملت و نخبگان، «تولید روایت صحیح، مستند و امیدآفرین» است. هرچه پوشش رسانه‌ای دقیق‌تر، تحلیل‌ها عمیق‌تر و مستندسازی حرفه‌ای‌تر باشد، تأثیر عملیات روانی دشمن کاهش می‌یابد. این وداع، خود «ضدروایتی» قدرتمند است که بسیاری از تخریب‌های فرهنگی و سیاسی دشمنان درباره ایران اسلامی را خنثی می‌کند و تصویر حقیقی امت واحده را به جای تصویرسازی‌های گزینشی می‌نشاند. ۶. ایران، هویت تمدنی و نظم نوین جهانی این تشییع تاریخی، فراتر از یک سوگ‌واره، «اعلام‌کننده عصر ایران» در تاریخ سیاسی جهان است. ایران امروز، بخوبی راه و رهبر خود را می‌شناسد و فرهنگ، مدنیت و معنویت خویش را به دنیای مدرن عرضه می‌دارد. جمهوری اسلامی، دستاورد عظیم امامین انقلاب (خمینی کبیر و خامنه‌ای شهید)، اکنون در قامت یک تعریف هویتی و تمدنی جدید از سیاست ظاهر شده است؛ تعریفی که در آن، قدرت نه در سلطه‌گری، که در خدمت به مستضعفان و عدالت‌گستری معنا می‌یابد. بر این اساس، ایران نه‌تنها در معادلات نظم جدید جهانی حضور می‌یابد، بلکه به قدرت تعادل‌بخش این نظم بدل می‌شود؛ بی‌آنکه وارد بازی‌های قدرت‌های مهاجم گردد. این همان نقشی است که جهانیان را به تحسین و دشمنان را به هراس واداشته است. تشییع رهبر شهید، هم‌زمان که عزاداری امت اسلامی است، صحنه‌ای برای اعلام خودآگاهی تاریخی و تمدنی ایران نوین به شمار می‌رود.۷. از حماسه عاطفی تا سرمایه ملی پایدار عظمت این تشییع، تنها در شمار جمعیت خلاصه نمی‌شود؛ بلکه در «معنایی» است که آن جمعیت تولید می‌کند: تجدید عهد با آرمان‌های امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای، بیعت با رهبری حکیمانه آیت‌ا سید مجتبی خامنه‌ای، و تعهد به ساختن تمدنی که در آن، عدالت، علم، تولید ملی و خدمت‌رسانی، نه شعار، که برنامه اصلی و اجرایی است. رسالت نخبگان، تبدیل این سرمایه عظیم اجتماعی به کارآمدی در حکمرانی، مبارزه با فساد، پیشرفت علمی و امیدآفرینی پایدار است. آینده ملت‌ها، به توانایی آنان در «تبدیل سوگ به سازندگی و حماسه به تمدن» رقم می‌خورد. و ملت ایران، با این حماسه، ثابت کرد که صاحب عزا نیست، بلکه صاحب «اراده‌ای تمدن‌ساز» است.

نگاه راهبردی: مراسم بدرقه قائد شهید، نقطه عطفی در تاریخ معاصر ایران و جهان اسلام خواهد بود. این رویداد، علاوه بر ثبت در فهرست بزرگترین وداع‌های تاریخ، به عنوان «نماد وحدت ملی، استکبارستیزی و پایداری» ماندگار می‌شود. دشمنان از این صحنه می‌هراسند، زیرا می‌دانند که «قدرت حقیقی» یک ملت، نه در سلاح و پول، که در ایمان، اراده جمعی و توان بازآفرینی امید است. این وداع تاریخی، «پایان یک دوران» و «آغاز عصر ایران» را به جهان اعلام می‌کند؛ عصری که در آن، ایران عزادار اما مصمم، با الهام از خون شهیدان، نظم جدید جهانی را با توازن و عدالت گره می‌زند و

هرگونه جبروت خارجی را به حاشیه تهی از نفوذ می‌راند. ملت ایران، این بار نیز ثابت خواهد کرد که «زنده‌تر از همیشه» و «متحدتر از همیشه» در مسیر آرمان‌های والای شهیدان گام برمی‌دارد؛ آرمان‌هایی که امروز، جامه عمل پوشیده و طلیعه‌ای برای تمدن نوین اسلامی فراراه جهانیان گشوده است. «از خون‌های پاک شهیدان، تا ظهور حضرت مهدی (عج)، این مسیر ادامه دارد...»